

طریقت بکتاشیه بر پایه رساله احمدیه

کریم نجفی برزگر*

طریقت علیّه بکتاشیه یکی از طریقت‌های صوفیه در آناتولی به شمار می‌رود که مقتدا و قطب اعظم آن سلطان‌الاولیا، سید محمد حاجی بکتاش ولی (تولد: ۶۴۵ق، نیشابور)، است (احمد سری‌بابا: ۶)¹. منشأ این طریقت آناتولی بود و در سده‌های نهم و دهم آیین رسمی سپاه ینی‌چری² شد. بکتاشیه، با برخورداری از حمایت رسمی دولت عثمانی و به دنبال کشورگشایی‌های سلاطین ترک، به شبه جزیره بالکان و نیز آلبانی راه یافت³. بعد از مرگ حاجی بکتاش ولی، اندیشه‌های او که آمیخته‌ای از اندیشه‌های علوی صوفیانه بود، به وسیله پیروانش، در منطقه آناتولی گسترش یافت. با قدرت‌گیری عثمانیان در آناتولی، طریقت بکتاشی پشتوانه فکری حرکت عثمانیان اهل سنت شد.

بنا بر رساله بساطی، که در زمان شاه طهماسب صفوی (حکومت: ۹۳۰-۹۸۴) نوشته شده

* دانشیار گروه تاریخ دانشگاه پیام نور (karimnajafi32@gmail.com)

۱. احمد سری‌بابا، الرساله الاحمدیه فی تاریخ الطریقه العلیّه البکتاشیه، مطبعة الشرق، بیروت ۱۳۵۸ق/ ۱۹۳۹م.

۲. یکی از ارکان مهم نیروی نظامی امپراتوری عثمانی.

۳. توفیق سبحانی و قاسم انصاری، «حاجی بکتاش ولی و طریقت بکتاشیه»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، س ۲۸، ش ۱۲۰، ۱۳۵۵، ص ۵۱۱-۵۱۲.

و علویان آن را «مناقب و فرمایش بزرگ» می‌خوانند، ظاهراً نخستین اصول بکتاشیه تقریباً همان اصول اخیّه (پیروان اخی اورن از مشایخ قرن هفتم هجری) است که گرایش‌های تند علوی دارند^۱. آنان خود را مسلمان و شیعه دوازده‌امامی می‌دانند و به‌ویژه برای امام جعفر صادق^ع احترام خاصی قائل‌اند (همان: ۹).

در مورد بکتاشیه مقالات و کتاب‌های بسیاری تألیف شده که یکی از آنها رساله احمدیه تألیف احمد سری‌بابا (ملقب به خادم‌الفقرا) است. این رساله، که به زبان عربی تألیف شده است، در سال ۱۳۵۸ق، در قطع رقعی به چاپ رسید^۲.

فهرست کتاب از این قرار است: معرفی تاج بکتاشیه، مقدمه، مؤسس طریقت، سلسله‌نسب حاجی بکتاش ولی، طریقت بکتاشیه، خصلت‌های کریمه برای پوشیدن تاج، اجرای بیعت در طریقت بکتاشیه، ائمه اثنا عشری، معصومین چهارده‌گانه، اولاد امام علی^ع، تاریخ انتشار طریقت بکتاشیه در مصر، اسامی مشایخ مدفون در مغاره شریفه، تاریخ شیخ محمد لطفی‌بابا، اوصاف تکیه سلطان مغاوری، روز «مبارک» عاشورا، و تاریخ زندگی مؤلف. یکی از ویژگی‌های این اثر شخصیت برجسته مؤلف، احمد سری‌بابا، است که خود از بزرگان طریقت بکتاشیه و از خانواده‌ای آلبانی‌الاصل بود و به تاریخ بکتاشیه اشراف داشت. مقالات و کتاب‌های بسیاری درباره این طریقت انتشار یافته است که، با عنایت به محتوای آنها، مشخص می‌شود که هر کدام از آن آثار، در عین داشتن مطالب تازه و ارزش علمی، در مقایسه با رساله احمدیه، نواقصی دارند؛ زیرا رساله احمدیه، در عین ایجاز، اطلاعات کافی درباره طریقت بکتاشیه در بر دارد. نویسنده که خود بعد از شیخ ولی محمد لطفی‌بابا (۱۲۶۵-۱۲۶۸ق) سی و هفتمین خلیفه است، بر تاریخ این طریقت و اصول آن اشراف کامل داشته و دانسته‌های خود را در این اثر گنجانده است. بدین لحاظ، کتابی موجز و موثق و جامع درباره طریقت بکتاشیه به یادگار نهاده است.

۱. پروانه عروج‌نیا، «بکتاشیه»، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، تهران ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۶۵۱.

۲. این اثر به همت این نگارنده ترجمه شده، که در دست چاپ است.

احمد سری بابا، دربارهٔ انتساب به این طریقت، معتقد است که مقصود از انتساب همان وصول به خداوند متعال با تداوم بر ذکر نام جلیل او سبحانه و تعالی است (ص ۱۰). وی در مورد تأسیس این طریقت این نکات برجسته را یادآور شده که پایه‌های طریقت بکتاشیه در قرن نهم هجری، پیش از بالیم سلطان (وفات: ۹۲۲ق) که دومین مؤسس بکتاشیه شناخته شده است، به طور کامل شکل گرفت (ص ۵). بالیم سلطان از شخصیت‌های مهم بکتاشیه بود، که پیروان این طریقت او را مؤسس بکتاشیه شمرده‌اند. وی در آئین و اساس طریقت بکتاشیه ابداعاتی به وجود آورد و به سازمان‌های داخلی خانقاه‌ها شکل منظم‌تری بخشید (همان‌جا). ناگفته نماند که، در این زمان، گروه‌هایی از فرق اسلامی در استانبول مانند حروفیه و قلندریه، که ماهیتی بدعت‌گذار داشتند، به طریقت بکتاشیه درآمدند و این باعث ایجاد اشکال مختلفی از طریقت‌های دیگر در طریقت بکتاشیه شد. این آرای گوناگون که اصول طریقت بکتاشیه را تشکیل می‌دهد هیچ‌گاه به صورت شاکله‌ای هماهنگ و ثابت درنیامد و همواره به صورت آمیزه‌ای از عقاید غیرمنسجم در این طریقت باقی ماند (ص ۷).

اما راز موفقیت بکتاشیه چه بود؟ سری بابا معتقد است که راز موفقیت بکتاشیه در کلمهٔ **بکتاشی** است که «نسبتی است شخصی و منتسب به طریقت بکتاشیه و این طریقتی است که در آن دین، ورع و تقوا مورد توجه خاص قرار گرفته و زاهد مطیع و منقاد اوامر خداوند سبحان است و متأدب به آداب حضرت محمد مصطفی^ص و متخلق به اخلاق سید و مولایمان حضرت علی^ع و محب اهل بیت مطهرین و فانی در این حب، عقیف‌اللسان و پاکدامن، معین‌الضعفا و خادم همهٔ مردم» (ص ۸). وی سپس اصول این طریقت را چنین شرح می‌دهد: «اصول طریقت بکتاشیه از مولایمان علی بن ابی‌طالب^ع و اولاد او و نوادگان او نشئت می‌گیرد و نیز احفاد او، تا اینکه به مشایخ کرام متصل می‌شود و ما این طریقت جلیله را از آنها اخذ کرده‌ایم که منحصر به سه اصل است: (۱) تلقین، (۲) تاج‌پوشی، (۳) گرفتن دست» (ص ۹).

موضوع دیگری که در این اثر مطرح شده توجه ویژهٔ بکتاشیه به آل علی^ع است. مؤلف رسالهٔ احمدیه به خوبی به این نکته اشاره کرده است: «طریقت بکتاشیه همان طریقت آل‌البیت مطهر است» (ص ۸). سپس، در تأیید همان عقیده، از واجبات درویش بکتاشی این‌گونه یاد کرده

است: «بر درویش بکتاشی واجب است که از گناهان و خطاها توبهٔ نصح کند و... اینکه از اهل سنت و جماعت باشد و... آن تکریمی که بر مرید واجب است، ... فنای در حب خدا و رسول و اهل بیت پیامبر ص است» (ص ۹). دربارهٔ خصلت‌های کریمه برای تاج‌پوشی مریدان طریقت بکتاشیه، سری‌بابا دوازده خصلت از جمله علم، طاعت، استغفار و توکل به خداوند را برشمرده است و دلیل تأکید بر عدد دوازده را برابر بودن این عدد با تعداد حروف «لا اله الا الله» و نیز همین تعداد در عبارت شریفهٔ «محمد رسول الله» دانسته است (ص ۱۱). علاقه و احترام بکتاشیه به اهل بیت عصمت و طهارت^ع به حدی است که مؤلف کتاب رسالهٔ احمدیه سرفصلی مجزا به عاشورای حسینی اختصاص داده است. وی زیر عنوان «روز مبارک عاشورا» می‌نویسد:

روز عاشورا روز محترمی است نزد تمام پیروان اهل کتاب آسمانی اعم از مسلمان، مسیحی و یهودی؛ و به تحقیق، خداوند متعال کرامت بخشیده است در این روز تعدادی از انبیا پیش را به کرامات مختلف. پس در این روز خداوند متعال توبهٔ آدم و داوود را پذیرفت؛ و همچنین در این روز خداوند متعال حضرت ادریس را در آسمان جایگاه عالی عطا فرمود؛ و نیز در این روز کشتی حضرت نوح، پس از فرمان طوفان و فروکش نمودن آب، به ساحل نجات رسید؛ و در این روز حضرت ابراهیم ولادت یافت و در این روز مراحل رشد به او اعطا شد و در این روز خداوند متعال او را از آتش نمرود نجات داد؛ و در این روز خداوند بینایی حضرت یعقوب را به او بازگرداند؛ و در این روز خداوند حضرت یوسف را از چاه خارج کرد... (ص ۳۸).

مؤلف، بر همین منوال، دربارهٔ مبارک بودن این روز سخن را ادامه داده تا به حضرت عیسی^ع می‌رسد و می‌نویسد:

در این روز حضرت عیسی متولد شد و در این روز به آسمان صعود کرد؛ و در این روز خداوند سیدمان حضرت محمد مصطفی^ص را از هر ذنبی در گذشته و آینده غفران بخشید و در این روز سیدمان حضرت حسین بن علی^ع به شهادت رسید. در کتاب‌های تفسیر آمده است همانا روز زینت را که خداوند متعال در سورهٔ مبارکهٔ طه ذکر فرموده (موعدکم یوم الزینة) این همان روز عاشورا است (همان جا).

وی، بدون هیچ‌گونه اشاره به وقایع تاریخی این روز و آنچه در این روز اتفاق افتاده و رشادت‌ها و جانبازی‌های حضرت امام حسین^ع و شهادت جانشوز هفتاد و دو تن از یاران باوفای ایشان

و استقامت و پایمردی بزرگ رهبر شیعیان در برابر سپاه کفر، به شرح غذای مخصوصی که در این روز طبخ می‌شده می‌پردازد و می‌نویسد:

در این روز غذایی از حبوبات طبخ می‌شود و سبب آن این است که هنگامی که در روز عاشورا کشتی نوح بر کوه جودی استقرار یافت حضرت نوح به کسانی که همراه او در کشتی بودند گفت: هر آنچه از زاد و توشه با شما باقی مانده بیاورید. هر کدام مشتی از باقلا و عدس و گندم و جو و ذرت بیاوردند و همه را طبخ کردند و خوردند تا سیر شدند و این اولین طعمی بود که بر روی زمین طبخ می‌شد و، به سبب آن، مسلمانان طعام [تهیه‌شده از] حبوبات را به نام عاشورا خواندند. پس سادات و بزرگان بکتاشی در روز شهادت امام حسین^ع، که در سال ۶۱ هجری به وقوع پیوسته بود، محافلی برگزار می‌کنند و این غذا را طبخ می‌کنند و آن را بین فقرا و مساکین تقسیم می‌کنند (ص ۳۹).

نکته مهم دیگری که ارزش این اثر را برجسته کرده و محقق را ترغیب به خواندن می‌کند متن روان آن است. نکته دیگر، که مهم‌ترین ویژگی این اثر به شمار می‌رود، بیان حقایق عقیدتی بکتاشیه است که به روشنی به رشته تحریر درآمده است. نویسنده می‌نویسد که اساس در طریقت بکتاشیه عبارت است از اقرار به زبان و تصدیق به قلب نسبت به وجود خداوند متعال و وحدانیت او و ایمان به ملائکه و کتاب‌های آسمانی و پیامبران الهی، و ایمان به آخرت و برانگیخته شدن بعد از مرگ (ص ۷-۸). همچنین آمده است که اصول بکتاشیه از مولایمان علی بن ابی‌طالب^ع و اولاد بزرگوارش و نوادگان گرامی‌اش نشئت می‌گیرد و نیز احفاد وی تا مشایخ کرام، که این طریقت جلیله از ایشان اخذ شده است (ص ۹).

همان‌طور که در سطور پیش اشاره شد، با وجود ادعای مؤلف رساله احمدیه درباره ارادت بکتاشیه به اهل بیت نبوت و نزدیک شمردن اصول و عقاید بکتاشیه به مذهب شیعی و یادکرد روز عاشورا، این اثر به هیچ‌وجه به مقدسات شیعی نزدیک نشده و حتی به واقعه بزرگ کربلا، که به حق انقلاب شیعی است، نپرداخته است. بنابراین، نمی‌توان آن را یک اثر شیعی و مطابق اصول مذهب شیعه دانست.